

مصاحبه با دکتر هوشنگ امیراحمدی

مصاحبه گر: آقای بولهری

روزنامه صبح امروز

● سؤال: رابطه ایران و عربستان در شرایط کنونی چگونه است؟ آیا امکان تشکیل یک سیستم امنیت دسته جمعی در منطقه وجود دارد؟ و اصولاً به نظر شما نزدیکی رابطه ایران و عربستان چه پیش شرط هایی را می طلبد؟

■ جواب: در مجموع رابطه ایران و عربستان سعودی در این چندساله اخیر دائماً رو به بهبود بوده است. لکن دو کشور کماکان با سوء ظن به یکدیگر نگاه می کنند و کوشش های انجام گرفته برای عادی کردن رابطه هنوز عمق لازم را پیدا نکرده اند. برای توضیح و درک دقیق تر باید جنبه های متفاوت این رابطه را دید. به اعتقاد من رابطه ایران و عربستان سعودی شش یا هفت جنبه مهم دارد: جنبه منطقه ای، جنبه عربی، جنبه اسلامی، جنبه ماورای منطقه ای، جنبه اقتصادی، و جنبه سیاسی - نظامی.

فاکتورهای مهمی که جنبه منطقه ای رابطه را تحت تأثیر قرار می دهند عبارتند از: موضع متفاوت دو کشور در ارتباط با بحران افغانستان، بازیگری های پاکستان، و رقابت در آسیای مرکزی و قفقاز. به طور مشخص، عربستان نقش صندوق پول طالبان را بازی کرده و با پاکستان نزدیکی استراتژیک دارد. این در حالی است که ایران متضرر اصلی در پیروزی طالبان در افغانستان بوده است. عربستان همچنین خود را رقیب عمده ایران در کشورهای مسلمان نشین شمال ایران می داند و برای خنثی کردن نقش فعال ایران در این مناطق از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. بدیهی است که هیچ یک از این تحرکات عربستان خوشایند ایران نباشد. با این وجود ایران بیشترین سعی خود را برای عدم مقابله به مثل در خصوص این تحرکات کرده است.

جنبه عربی رابطه ایران و عربستان از عوامل گوناگونی متأثر است. به نظر من سه عامل عمده اند: اول، ناسیونالیسم عربی است که این روزها خود را در چارچوب دفاع از امارات متحده در رابطه با ادعای مالکیت بر جزایر تنب و ابوموسی، و همچنین کوشش کشورهای عربی به دادن اسم کاذب «خلیج عربی» به خلیج فارس، نشان می دهد. دوم، احساس رهبری و بزرگی عربستان در درون شورای همکاری خلیج (فارس) است که نتیجه اش مسدود ماندن این شورا و تقابل آن با ایران بوده است. و سوم، فاکتور عراق است که برای عربستان به یک معضل، و نه فقط مشکل، تبدیل گردیده است. از یک طرف، عربستان خواهان آن است که عراق در مقابل ایران تقویت شود و به دنیای عرب برگردد، و از طرف دیگر، از افزایش قدرت عراق برای رهبری خود در منطقه عربی خلیج فارس واهمه دارد. در مجموع، این جنبه از رابطه ایران و عربستان، مخصوصاً عامل ناسیونالیسم عربی، کماکان از عمده عوامل بازدارنده تعمیق بیشتر در رابطه بین دو کشور است.

جنبه اسلامی رابطه ایران و عربستان از سه عامل: تفاوت بین سنی و شیعه، اسلام آمریکایی و اسلام انقلابی، و بالاخره مسایل مربوط به حج، متأثر است. در این رابطه باید از نزدیکی وهابیون عربستان با طالبان افغانستان، و نارضایتی اقلیت شیعه عربستان یاد کرد. خوشبختانه بخش وسیعی از مسایلی که در ارتباط با سه عامل مذهبی یا ایدئولوژیک وجود داشتند کم کم شکلی منطقی تر به خود گرفته و نتیجتاً کمرنگ می شوند. در این رابطه، فاصله گرفتن دولت عربستان از طالبان و فشار این دولت بر وهابیون افراطی برای همکاری خیلی نزدیک با این

گروه در افغانستان، باید مثبت ارزیابی گردد.

جنبهٔ ماوراء منطقه ای رابطهٔ دو کشور، که بخش وسیع آن مربوط به وجود آمریکا در این رابطه می شود، کماکان مشکل آفرین مانده است. در واقع، نقش آمریکا در کندی بهبود رابطهٔ ایران و عربستان بسیار اساسی است. نقش استراتژیک عربستان در اوپک، خریدهای نظامی از آمریکا، و سروری کشورهای کوچک عربی خلیج فارس برای آمریکا جنبهٔ حیاتی پیدا کرده است. این اواخر، همراه با کاهش تنش بین ایران و آمریکا، تنش در این جنبه از رابطهٔ ایران و عربستان نیز کاهش چشمگیری پیدا کرده است. لکن تا وقتی که رابطهٔ ایران و آمریکا خصمانه است، و ایران حاضر به وارد شدن در بازی اعراب در رابطه با صلح اعراب و اسراییل نیست، نمی توان انتظار بهبودی کامل رابطهٔ ایران و عربستان را داشت.

جنبهٔ اقتصادی رابطهٔ دو کشور کماکان به نفت و اوپک محدود می ماند. عربستان همچنین ادعای رهبری در اوپک و بازار نفت را دارد و حاضر نیست با ایران در این مورد به سازشی برسد. سیاست نفتی عربستان، که چارچوب سیاست این کشور در درون اوپک نیز هست، بر مبنای افزایش سهم بازار نفت و متعادل نگهداشتن قیمت نفت است. هردوی این ابزارها در عمل مناسب ایران نیستند. در گذشته عربستان از موقعیت قوی خود در درون اوپک بر علیه ایران استفاده کرده است. نمونهٔ عمدهٔ این عمل عربستان در سال ۱۳۶۵ بود که با سیلابی کردن بازار نفت آنچنان ضربه ای به قیمت نفت و در نتیجه به اقتصاد ایران زد که دولت جمهوری اسلامی هنوز هم از تأثیرات منفی آن رهایی نیافته است. این روزها چنین به نظر می رسد که عربستان علاقه مندی بیشتری به همکاری با ایران در رابطه با نفت پیدا کرده است. لکن نباید فراموش کرد که عربستان کماکان در چارچوب منافع خود در اوپک عمل می کند و نه در ارتباط با هرنوع تفکر نزدیکی با ایران.

و بالاخره جنبهٔ سیاسی - نظامی رابطهٔ دو کشور است که به اعتقاد من در مرکز ثقل آن امنیت دسته جمعی منطقه ای قرار دارد. و این دقیقاً همان جنبه ای است که هم دیروز و هم امروز ریشهٔ اصلی مشکل بین ایران و عربستان بوده است. در این رابطه، دو عامل خریدهای نظامی و خرابکاری های تروریستی در عربستان بیشترین سهم را در تخریب حسن نیت بین دو کشور بازی کرده اند. خریدهای نظامی سرسام آور عربستان، که قبل از حملهٔ عراق به کویت شروع شد، هدف اصلی خود را از همان اول ایران قرار داده بود. در مقابل، ایران یک سیاست عکس العملی را در پیش گرفت که نتیجه اش در تحلیل نهایی اتهامات بمب سازی و خرابکاری های تروریستی بر علیه ایران بوده است.

در چارچوب این جو، و غیرعادی بودن روابط میان کشورهای عربی و بین آنها و ایران، مخصوصاً مشکلاتی که بین سه قدرت منطقه ای ایران، عربستان و عراق وجود دارد، هرنوع همکاری منطقه ای برای ایجاد یک سیستم امنیت دسته جمعی با مشکل روبرو است. عامل روابط متفاوت کشورهای منطقه با دنیای خارج، مخصوصاً با آمریکا، دامنهٔ این مشکل را وسیع تر می کند. به نظر من حتی اگر این مسایل نیز مطرح نبودند، باز هم کوشش برای ایجاد یک سیستم امنیت دسته جمعی منطقه ای، با توجه به تجربیات گذشته، کوششی به عبث می بود. واقعیت این است که کشورهای عربی آمادگی همکاری سیاسی - نظامی مستقیم با ایران را ندارند.

در مجموع، رابطهٔ ایران و عربستان کماکان با مشکلات عدیده روبرو است. این در حالی است که حل مسایل دو کشور پیش شرط حل مشکلات ایران با شورای همکاری خلیج (فارس) و عراق است. بنابراین، دولت ایران باید با حسن نیت کامل و در چارچوب اصول منافع ملی، خردگرایی دیپلماتیک و ایجاد توازن بین تنش زدایی و آمادگی قدرتمندانهٔ کشور، تمام کوشش خود را در جهت بهبود رابطه با عربستان به کار بگیرد. لکن نباید از یاد برد که هر نوع نزدیکی مناسب با عربستان مستلزم تنش زدایی واقعی با آمریکا است.